

# سرمایه‌گذاری آتی در بخش کشاورزی باید صادرات‌گرا باشد

انتظاره:

بخش کشاورزی در دو برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، محور توسعه انتخاب شد. به عبارت دیگر توسعه بخش کشاورزی در این سال‌ها می‌بایست زمینه رشد در سایر بخش‌ها را فراهم می‌سازد. گذشته از آنکه در ایجاد خودکفایی در تولید محصولات غذایی و امنیت غذایی کشور مؤثر واقع می‌شود.

با وجود انتخاب بخش کشاورزی به‌عنوان محور توسعه در این دو برنامه، سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این بخش و عملکرد آن نتوانست آنچه که باید نقش خود را در توسعه اقتصاد ملی ایفا کند. هنوز در تأمین مواد غذایی اساسی (گندم، برنج، شکر، روغن نباتی و...) کشور به خودکفایی نرسیده و در صدور محصولات کشاورزی یا هدف رشد صادرات غیرنفتی، تولید چندانی به‌دست نیامده است.

بررسی عملکرد بخش کشاورزی و جایگاه آن در دو برنامه توسعه اقتصادی حایز اهمیت است. در این گزارش تلاش داریم به بررسی موقعیت بخش کشاورزی در اقتصاد ایران بپردازیم و عوامل ناکامی‌ها در این بخش را تشریح کنیم.

بخش کشاورزی در سال‌های اخیر از لحاظ کمی و کیفی تا حدودی توسعه یافت، اما این توسعه بیشتر، به دنبال پیروی از سیاست جایگزینی واردات بود. در برنامه اول و دوم، از آنجا که دستیابی به خودکفایی در تولید کالاهای اساسی و قطع واردات آنها از اهداف دولت بود، بخش کشاورزی به عنوان محور توسعه انتخاب شد. به عبارت دیگر برنامه‌های این بخش با دیدی درونگرا تنظیم شد و کمتر توجهی به رشد صادرات کشاورزی داشت.

از آنجا که در زمینه گسترش سیستم‌های آبیاری تحت فشار و روش‌های نوین کشاورزی و آبیاری، پیشرفت‌های قابل توجهی صورت نگرفته است، کماکان کشاورزی در ایران به میزان بارندگی بستگی دارد. براساس گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۷۶ فعالیت‌های تولیدی در بخش کشاورزی به دلیل ادامه روند خشکسالی که از سال ۱۳۷۵ آغاز شده بود، رشد بطنی و کندی داشت. براساس برآوردهای مقدماتی، ارزش

افزوده بخش کشاورزی در سال ۷۶ حدود ۱/۵ درصد رشد نشان داد که در مقایسه با رشد ۳/۵ درصد آن در سال ۷۵، حاکی از کند شدن قابل ملاحظه رشد این بخش می‌باشد. رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال ۷۶ پایین‌ترین میزان رشد این بخش بود که از سال ۱۳۶۸ (آغاز اجرای برنامه اول) تاکنون تجربه شده است.

براساس این گزارش، بخش زراعت به دلیل افت شدید تولید برنج، جو، پنبه، حبوبات و پسته ۱/۳ درصد کاهش نشان داد و در میان محصولات

و ۶ میلیون تن از کشت به صورت دیم تحصیل شد.

با این وجود، آمار عملکرد محصولات عمده زراعی به هیچ وجه قابل قبول نیست. برای مثال عملکرد

در هکتار گندم در

سال ۷۶ به

۱۵۹۵ کیلوگرم،

جو به ۱۶۶۵

کیلوگرم، برنج

(شلتوک) به

۴۱۷۴ کیلوگرم،

پنبه به ۱۸۹۵

کیلوگرم،

چغندر قند به

۲۴۸۹۰ کیلوگرم،

نیشکر به

۸۲۳۶۰ کیلوگرم، چای به ۸۸۲۹

کیلوگرم، دانه‌های روغنی به ۱۱۴۶

کیلوگرم، تنباکو به ۱۱۴۳ کیلوگرم،

حبوبات به ۵۲۸ کیلوگرم، سیب‌زمینی

به ۲۰۷۸۵ کیلوگرم، پیاز به ۲۵۱۵۲

کیلوگرم و پسته به ۴۵۳ کیلوگرم رسید.

در مقایسه با سال ۷۵ فقط عملکرد

در هکتار سیب‌زمینی، پیاز و پسته

کاهش داشته و دیگر اقلام افزایش

یافته است. تولید پسته در هکتار از

۱۱۲۱ کیلوگرم در سال ۷۵ به ۴۵۳

کیلوگرم در سال ۷۶ افت کرد. در میان

این اقلام مشاهده می‌شود که در سال

۷۶ با وجود افزایش سطح زیر کشت

پیاز و پسته، تولید آنها کاهش یافته

است. سطح زیر کشت گندم، جو،

شلتوک برنج، پنبه، نیشکر و حبوبات

در سال ۷۶ نسبت به سال ۷۵ کاهش

یافت، اما در میان این اقلام فقط تولید

نیشکر با افزایش مواجه شد. سطح زیر

کشت دیگر اقلام مورد بحث در سال

مخزنی بر روی رودخانه‌های پرآب

کشور ادامه یافت و ۸۷ میلیون متر

مکعب به حجم آب تنظیمی توسط

سدهای مخزنی و انتقال آب افزوده شد.

در ضمن ۱۵۰ میلیون متر مکعب آب از

زراعی در گروه غلات، تنها تولید گندم

اندکی افزایش داشت و به ۱۰ میلیون و

۴۵ هزار تن رسید. تولید محصولات

صنعتی (در بخش کشاورزی) در سال

۷۶ از وضعیت بهتری برخوردار بود و

به استثنای تولید

پنبه، تولید دیگر

اقلام رشد قابل

ملاحظه‌ای داشت.

در این سال متوسط

میزان بارندگی

کشور در مقایسه با

سال ۷۵، حدود

۳۵ درصد کاهش

داشت. با توجه به

آنکه بیش از ۵۰

درصد کشت

○ از آنجا که در زمینه گسترش روش‌های آبیاری تمت فشار، استفاده وسیع از ابزار و ماشین‌آلات کشاورزی، یکپارچگی اراضی کشاورزی و تولید سودآور در این بخش، سرمایه‌گذاری قابل توجهی صورت نگرفته، کشاورزی ایران نه تنها در رشد صادرات غیرنفتی اثر قابل ملاحظه‌ای نداشته، بلکه به فواید غیرنفتی نیز نرسیده و سالانه ۴ میلیارد دلار صرف واردات محصولات غذایی می‌شود.

طریق رودخانه‌ها و توسط سدهای

انحرافی و ایستگاه‌های پمپاژ برداشت

شد که نسبت به هدف برنامه حدود

۵۶/۴ درصد تحقق نشان می‌دهد.

برداشت آب از طریق اجرای طرح‌های

کوچک و آب‌های زیرزمینی نیز نسبت

به سال ۷۵ افزایش یافت.

با این وجود مسأله آب و تأمین آب

مورد نیاز بخش کشاورزی همچنان

ادامه دارد و این در حالی است که

عملکرد در هکتار تولیدات کشاورزی

ایران نیز به شدت پایین است.

گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد

که مجموع تولید محصولات کشاورزی

در سال ۷۶ به حدود ۵۸/۴ میلیون تن

رسید که در مقایسه با سال قبل از آن

۴/۵ درصد افزایش داشت. از این رقم

۴۷/۲ میلیون تن محصولات زراعی و

۱۱/۲ میلیون تن محصولات باغی

بود. در همین حال ۴۱/۲ میلیون تن از

تولیدات کشاورزی ایران از اراضی آبی

سالانه محصولات به صورت دیم

صورت می‌گیرد، مسأله آب و تأمین آن

یکی از مهم‌ترین عوامل محدودکننده

رشد بخش کشاورزی در سال ۷۶ بود.

با وجود آنکه بخش کشاورزی،

محور توسعه در دو برنامه توسعه

اقتصادی کشور انتخاب شد، لیکن

هرگز به طور جدی مورد توجه قرار

نگرفت.

هنوز کشاورزی ایران به میزان

ریزش‌های جوی بستگی دارد و با

کاهش بارندگی و بروز خشکسالی،

سطح تولیدات این بخش به سرعت

نزول پیدا می‌کند و مسأله تأمین آب

همچنان وجود دارد. در حالی که میزان

هرزروی آب در بخش کشاورزی

دست‌کم به ۳۰ درصد آب تأمین شده

برای این بخش می‌رسد. بنا بر گزارش

بانک مرکزی در سال ۱۳۷۶ برنامه

تأمین آب از طریق ایجاد شبکه‌های

آبیاری و زهکشی و احداث سدهای

۷۶ افزایش یافت.

با وجود آنکه دستیابی به خودکفایی در تولید اقلام اساسی کشاورزی از اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی بوده در سال ۷۶ میزان واردات گندم به بیش از ۶ میلیون تن، شکر به یک میلیون و ۲۵۹ هزار تن رسید که البته در پایان این سال حدود ۱/۵ میلیون تن گندم و ۳۲۰ هزار تن شکر در انبارها باقی مانده است.

البته برخی کارشناسان عقیده دارند که سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در بخش کشاورزی متناسب با سیاست

گزینش این بخش به عنوان محور توسعه نبوده و همین امر سبب شده است که بخش کشاورزی نتواند در رشد اقتصادی نقش کلیدی ایفا کند و سهم آن در تولید ناخالص داخلی در حدود ۲۶ درصد با جذب یک چهارم نیروی کاری کشور باقی بماند.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری کشاورزی گفت: اگر ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری بخش صنعت به کشاورزی اختصاص می‌یافت، اکنون ایران از کشورهای بزرگ صادرکننده محصولات کشاورزی به حساب می‌آمد.

محمدرضا یزدی‌زاده در گفت‌وگو با خبرنگاران در اوایل دی‌ماه گذشته افزود: بخش صنعت در سال‌های ۶۸ تا ۷۱ در مقابل هر ۱۰ دلار ارزبری فقط یک دلار صادرات داشت.

وی تصریح کرد: سیاست‌گزاران هر گاه خواستند یارانه‌ای را حذف

کنند، بخش کشاورزی هدف اول آنها بود، در صورتی که این بخش بیشترین اشتغال را ایجاد می‌کند و کمترین سرمایه را نیاز دارد.

به گفته وی، حذف یارانه‌ها در بخش کشاورزی موجب شده تا قیمت ماشین‌آلات وارداتی کشاورزی افزایش یابد و کشاورزی سنتی نتواند از فن‌آوری جدید استفاده بیشتری کند. اکنون رشد صنعتی کردن

**○ هدف یارانه‌ها در بخش کشاورزی موجب شده که قیمت ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی افزایش یابد و کشاورزی سنتی نتواند از فن‌آوری جدید استفاده کند و نرخ رشد مکانیزاسیون در کشاورزی ایران منفی است.**

(مکانیزاسیون) در بخش کشاورزی منفی است و این روند بر رشد تولید محصولات کشاورزی در سال‌های آینده تأخیر می‌اندازد.

عبدالغفار شجاع رییس کمیسیون کشاورزی و عمران روستاهای مجلس شورای اسلامی درباره رفع مشکلات بخش کشاورزی به خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: اگر حدود ۱/۵ میلیارد دلار برای هزینه‌سازی در صنایع تبدیلی زراعی و دامی در بخش کشاورزی اختصاص یابد، تضمین می‌دهیم که همه مشکلات اقتصادی را حل کنیم.

وی گفت: بخش کشاورزی استعدادهای بالقوه بسیاری دارد که در صورت توجه، جایگزین مناسبی برای درآمدهای نفتی خواهد بود. اگر ۱۰ تا ۲۰ درصد مبلغی را که دولت استقراض می‌کند به بخش کشاورزی اختصاص دهد، پس از پنج تا هفت

سال هیچ‌گونه مشکلی نخواهیم داشت و انقلابی در بخش کشاورزی ایجاد می‌شود.

وی با اشاره به آماری که دست‌اندرکاران تولید گل در کشور ارایه کرده‌اند، افزود: در صورت سرمایه‌گذاری و ارایه امکانات به این بخش، درآمد تولید و صادرات گل در ۱۰ سال آینده با درآمد نفت برابری خواهد کرد.

رییس کمیسیون کشاورزی مجلس با اشاره به اینکه در حال حاضر سالانه حدود ۴ میلیارد دلار از

درآمد نفت صرف خرید کالاهای کشاورزی می‌شود، گفت: اگر ما در پنج تا هفت سال آینده، ۵۰ درصد اعتبار ارزی یک سال واردات محصولات کشاورزی را به بخش‌های کشاورزی اختصاص دهیم، برای همیشه خودکفا خواهیم شد. برای مثال اگر طرح توسعه نیشکر خوزستان وارد تولید شود، می‌تواند سالانه حداقل حدود یک میلیارد دلار صرفه‌جویی ارزی داشته باشد.

وی گفت: کمیسیون کشاورزی مجلس قصد دارد ترتیبی اتخاذ کند تا بخشی از ارز اقلامی که از خارج خریداری می‌شود، در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد تا سرمایه‌گذاری کنند.

در همین حال علی یعقوبی منبر کمیسیون امور کشاورزی و عمران روستاها اظهار داشت: براساس تبصره ۷۷ قانون برنامه دوم توسعه، دولت

بخش‌ها می‌بایست دیدی برون‌نگر داشت و منابع سرمایه‌گذاری را به تولید اقلام قابل عرضه در بازارهای جهانی اختصاص داد و در مقابل تولید اقلامی که صرفه اقتصادی ندارد را رها

ساخت و این اقلام را وارد نمود. به عبارت دیگر شناخت استعدادهای کشاورزی، تعیین هزینه واقعی تولید محصولات

کشاورزی در واحد سطح و مقایسه و ارزیابی آنها با قیمت‌های رایج در بازارهای جهانی و مشخص ساختن زمینه‌های قابل رقابت حتی با کمک دولت در میان مدت ضروری است.

کارشناسان عقیده دارند که یارانه تولید محصولات کشاورزی سبب شده که زمینه‌های سرمایه‌گذاری سودآور و صادرات‌گرا در بخش کشاورزی ایران پنهان بماند و لذا ضرورت دارد که در این زمینه تحولات اساسی صورت بگیرد.

این گروه کارشناسان اعتقاد دارند حذف پرداخت یارانه کالاهای اساسی به صورت عمومی و اعطای یارانه مستقیم به اقشار آسیب‌پذیر (هدفمند نمودن یارانه‌ها) برای روشن شدن وضعیت تولید کشاورزی ضروری است و در این صورت می‌توان زمینه‌های مستعد خلق مزیت‌های تازه تجاری را شناسایی کرد و با حمایت واقعی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان، به رشد درآمدهای ارزی کمک کرد.

تره‌بار، گل و گیاه و... به توفیق قابل توجهی دست یابند. به عبارت دیگر با وجود آنکه بخش کشاورزی محور توسعه در برنامه‌های اول و دوم بود، اما دیدگاه مناسبی را دنبال نکرد و

**○ یارانه‌های اقلام کشاورزی سبب شده که زمینه‌های سرمایه‌گذاری سودآور و صادرات‌گرا در بخش کشاورزی پنهان بماند. با شفاف و هدفمند نمودن یارانه‌ها باید زمینه‌های مستعد در بخش کشاورزی شناسایی و مورد تشویق قرار گیرد.**

منابع سرمایه‌گذاری در این بخش نه تنها در رشد صادرات آن مؤثر نیفتاد، بلکه نتوانست در کاهش هزینه‌های ارزی مربوط به واردات محصولات کشاورزی نقشی ایفا کند.

کارشناسان عقیده دارند که سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی تنها در شرایطی می‌تواند مؤثر واقع شود که استعدادهای این بخش برای تولید محصولات قابل عرضه در بازارهای خارجی شناسایی شوند. براساس این مطالعات زمینه‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی، دامپروری، شیلات و... به سرمایه‌گذاران علاقه‌مند معرفی شوند و آنها مورد حمایت قرار گیرند تا بتوانند در میان مدت به قدرت رقابت در بازارهای جهانی نایل آیند و محصولات خود را به سهولت به فروش رسانند.

کارشناسان عقیده دارند که رشد تولید در شماری از محصولات کشاورزی به‌ویژه گندم در اثر پرداخت یارانه صورت گرفته است و لذا هنوز روشن نیست که از دیدگاه ارزیابی کارشناسی، تولید گندم در ایران صرفه اقتصادی دارد یا خیر.

کارشناسان عقیده دارند که در بخش کشاورزی نیز مانند سایر

موظف است حداقل به‌طور میانگین ۲۵ درصد از تسهیلات کلیه بانک‌ها را به بخش کشاورزی اختصاص دهد که این میزان در عمل بیش از ۱۷ درصد نبوده است.

وی گفت: براساس تبصره ۷۳ نیز دولت باید شورای عالی کشاورزی را جهت هماهنگی میان بخش‌های مختلف کشاورزی و

پیشبرد کار و امور کشاورزی تشکیل می‌داد. اما از آغاز اجرای برنامه دوم فقط یک بار در سال ۷۷ این شورا تشکیل جلسه داد.

یعقوبی گفت: نسبت اعتبار اختصاص یافته به بخش کشاورزی به کل اعتبارات عمرانی کشور ۱۰/۰۲ درصد بوده که به مرور زمان کمتر شده و در سال ۱۳۷۸ نیز به ۳/۲ درصد رسیده است که مشخص می‌کند تا چه حد به بخش کشاورزی بی‌توجهی شده است.

کارشناسان مستقل عقیده دارند که بخش کشاورزی به لحاظ کمبود سرمایه‌گذاری و اعتبارات دریافتی از بانک‌ها و نیز عدم برنامه‌ریزی مناسب و همه‌جانبه برای پیشبرد این بخش از لحاظ کیفی و حل معضلات اساسی آن (مانند تأمین آب کشاورزی، بهره‌گیری از روش‌های نوین آبیاری، یکپارچگی اراضی با هدف استفاده کارآمد از ماشین‌آلات و ابزار نوین کشاورزی) نتوانسته است حتی با دید جایگزینی واردات به هدف خود برسد.

آنها عقیده دارند از آنجا که سرمایه‌گذاران بخش خصوصی فاقد دید صادرات‌گرا بوده‌اند، نتوانستند در بخش‌هایی نظیر صادرات میوه و